

چکیده:

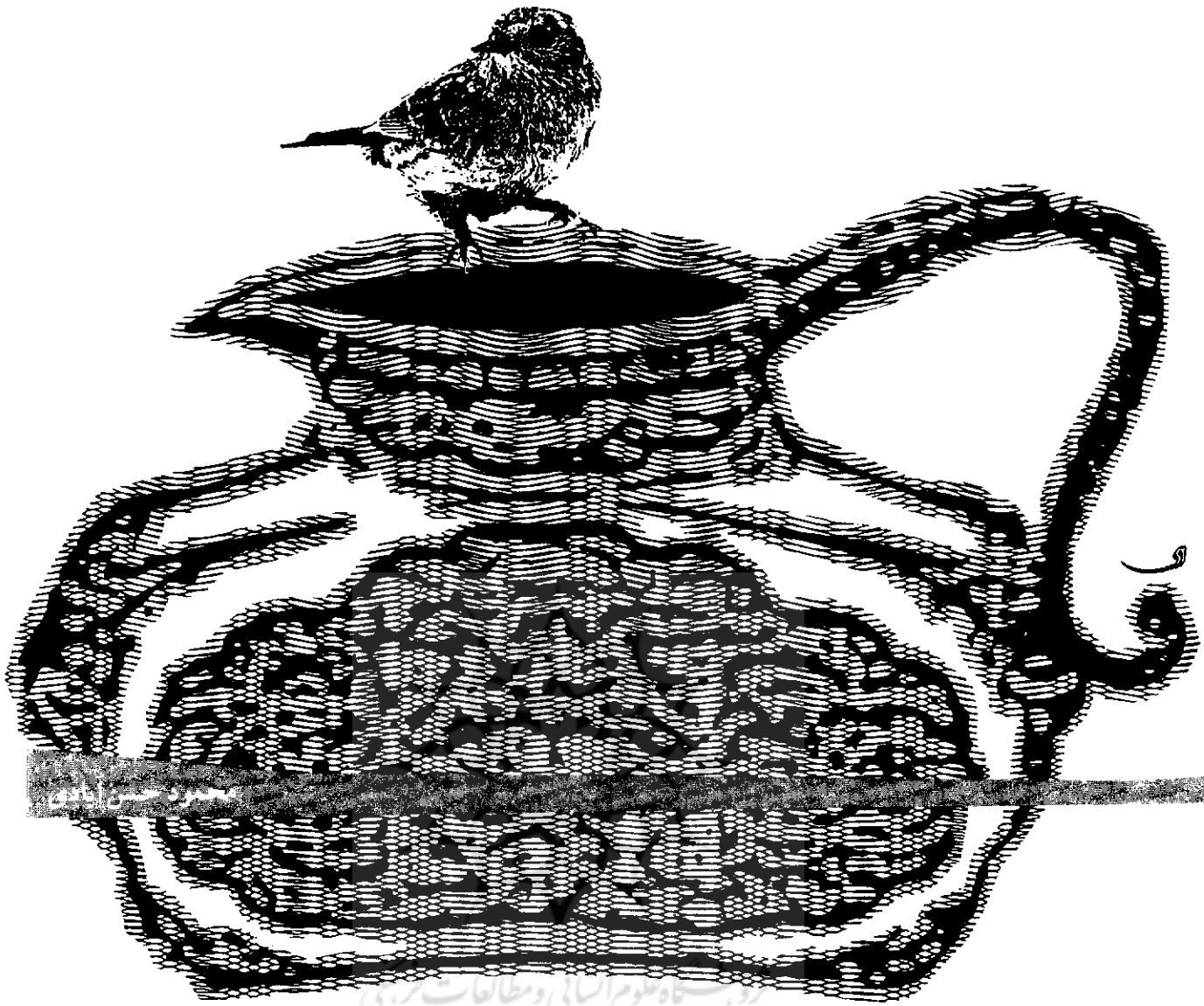
نقد ادبی، بی تردید یکی از ارجمندترین شاخه‌های ادبیات است. در نقد ادبی، شیوه‌ها و رویکردهای مختلفی برای بررسی آثار ادبی به کار بسته می‌شود؛ رویکرد سنتی، ساختگرایی، فراساختگرایی، فمینیستی و... اما بی‌گمان برای هر محقق و منتقدی، شناخت کامل تاریخ ادبیات و آثار ادبی در زمینه مورد تحقیق، پیش از ورود به هر بحثی، سخت ضروری به نظر می‌رسد. با پیشرفت فن چاپ و انتشار، امکان آن که محققان و منتقدان، خود تمام آثار را ببینند، از میان رفته است و این حکم در مورد ادبیات داستانی معاصر بیش از سایر آثار و دوره‌ها صادق است و نیاز به کتابشناسی بیشتر محسوس. برای آن که محققان و منتقدان، شناختی کمی از آثار داستانی داشته باشند، از چندی پیش، چند فرهنگواره در زمینه معرفی آثار داستانی معاصر فراهم آمده که در جای خود سخت ارجمند و مفید است، اما با تمام تلاش و دقت مؤلفانشان، این آثار از عیب و خطا به کلی برکنار نمانده‌اند. مقاله حاضر ضمن معرفی این سه فرهنگواره داستانی، به نقد و بررسی آنها پرداخته و خطاها و نواقص آنها را به امید اصلاح - در اثری به قلم نویسنده مقاله حاضر در آینده قریب - و انموده است.

مقدمه:

ضرورت شناخت تاریخ ادبیات جدید ایران، اینک بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، زیرا آگاهی از وضعیت ادبیات جدید می‌تواند راهگشای آینده باشد. نقد ادبی ما از آن رو ناپخته است که

اطلاعاتش از تاریخ ادبیات، ناچیز است. به منظور شناخت جریانها و گرایشهای فرهنگی در زمینه داستان، باید به تمام آثار داستانی حتی داستانهایی که فاقد ارزش زیباشناختی هستند، توجه کرد.^۱ در زمینه نقد و تحلیل ادبیات داستانی معاصر، کتابهای فراوانی نوشته شده است، اما می‌توان گفت تقریباً هیچ‌یک از آنها، نقدی کامل و جامع از ادبیات داستانی به دست نداده‌اند.^۲ نقصی که اکثر قریب به اتفاق این آثار در آن مشترکند، عدم شناخت کامل و همه جانبه از آثار و نوشته‌های منثور معاصر است.

پیوند نقد ادبی با تاریخ ادبیات چیزی است که در تحلیلها و نقدهای مربوط به ادبیات داستانی معاصر دیده نمی‌شود. «در اغلب این آثار، هیچ ترتیب تاریخی معینی دنبال نمی‌شود و نویسندگان بدون ارتباط با یکدیگر و به طور مجزا و بریده از شرایط و اوضاع و احوال زمانه خویش مورد بررسی قرار می‌گیرند. چنین است که نقدها به نوعی تک‌نگاری از چند چهره معروف و تثبیت شده، آن هم بریده از ریشه‌های تاریخی و اجتماعی تبدیل می‌شوند. اگر هم سیر تاریخی در نظر گرفته شود، دوره‌ای کوتاه، بدون سایه روشنهای گوناگون و بدون ارتباط با دوره‌های قبل و بعد، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به علاوه، فصلهایی از تاریخ ادبیات معاصر نیز اغلب نادیده گرفته می‌شود.»^۳ این مطلب تا حدی به کمبود یا فقدان یک منبع اطلاع‌رسانی درست و قوی برمی‌گردد، جایی که منتقد بتواند حداقل اطلاعاتی درست درباره کم و کیف تمامی آثار داستانی موجود به دست آورد. به موازات گسترش دانش اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌نویسی



تخصصی و کتابشناسیهای اختصاصی که از کلیدهای تحقیق در هر موضوع به شمار می آیند، هم در روزگار ما اهمیتی دوچندان پیدا کرده است و هر روز نیاز بیشتری به فزونی منابع ردیف اول (دایرةالمعارفها، فرهنگها و...) احساس می شود، تا آنجا که بسیاری از نیازهای اولیه پژوهشگران هم اکنون به مدد همین گونه کتابها مرتفع می شود و هرگاه بخواهد تحقیقی اساسی تر در زمینه ای صورت گیرد، محقق در آغاز خود را از رجوع به این گونه منابع بی نیاز نمی بیند.^۴

فرهنگواره های داستانی:

تاکنون سه کتاب اختصاصاً در این زمینه نوشته شده است:

1. Green, John: **Iranian short story Authors**,

Mazda Publishers, California, USA 1989, VIII, 250p.

۲. عابدینی، حسن، فرهنگ داستان نویسان ایران، تهران: دبیران،

بهار ۱۳۶۹، ۱۷۸ ص.

۳. مولوی، فرشته، کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان)،

چ اول، تهران: نیلوفر، پاییز ۱۳۷۱، ۵۲۳ ص.

۱) به رغم گذشت دوازده سال از وقوع انقلاب - تا سال چاپ کتاب - و چاپ آثار داستانی فراوان در این سالها، این کتاب برخلاف کتاب «جان گرین» به انقلاب اسلامی ختم شده و از آثار بعد از انقلاب، در آن خبری نیست؛ حال آن که جا داشت که او با توجه به تخصصی که در این امر دارد، به داستان نویسی پس از انقلاب اسلامی نیز می پرداخت.

۲) عنوان کتاب بسیار کلی است - فرهنگ داستان نویسان ایران - و شامل انواع مختلف داستان می شود و همین کلیت در عنوان، از عمق کار کاسته و نویسندگان را از استقصایی کامل بازداشته و کاری سرسری و سطحی به دست داده است.

۳) تعدادی از نویسندگان - که کم هم نیستند - از قلم افتاده اند به عنوان نمونه: «مهدی بهره مند»، «چتر نور»، «درویش»، «پرویز دوابی»،

ک. احیاء»، «محمد کلباسی»، «منصور خانلو»، «احمد محمود»، «حسین میرکامپی»، «داود مهرنواز»، «علی اکبر مهتدی»، «بابا مقدم»، «علی مستوفی»، «مهوش نبوی»، «بهار رهگو» و...

۴) از تمام مشخصات کتابشناختی آثار، تنها به سال چاپ آنها اشاره شده و در مواردی این سالها دقیق و درست نیست و معلوم نمی‌شود سال داده شده، مربوط به کدام چاپ از کتاب است.

۵) در مورد بعضی از نویسنده‌ها، تنها سال چاپ چند اثر از آثارشان را داده و از دیگر آثار تنها به ذکر نام آنها بسنده کرده است، مثلاً از بیست و یک کتابی که از «ارونقی کرمانی» نام برده، فقط سال انتشار هشت کتاب را داده و حتی سال چاپ گلین را که به قول خود «عابدینی» بهترین اثر «ارونقی کرمانی» است به دست نداده است، یا همین طور در مورد «ابراهیم خواجه نوری» و...

۶) شرح حالها بسیار مختصر و تلگرافی است و «اغلب مجمل و بی سرانجام رها شده»^۵ و علاوه بر اینها، مستند به هیچ سندی نیست، مثلاً: رحمانی، نصرت؛ «شاعر معروف، دیپلمه، کارمند پست و تلگراف» یا سالور، حسینقلی میرزا؛ «نویسنده داستانی درباره زندگی فردوسی تحت عنوان جفت پاک (۱۳۲۳)» و...

۷) در برخی موارد توصیفهایی از کتابها شده که این توصیفها نیز بسیار عجولانه و سرسری است و گویا تنها برای رفع تکلیف نوشته شده و به نظر می‌رسد که نویسنده، تنها آن اثر را ورق زده و در چند کلمه و یا ندرتاً در یکی دو خط خلاصه کرده و معلوم نیست هدف او از این کار چه بوده است، مثلاً:

جمالی، بوداغ؛ در داستان نایکدست روزی که با بام شهید شد (۱۳۵۴)، از دیدگاه کودک خیالیایی که پدرش هنگام قهقه زنی مرده است، محرومیت‌های خانواده‌ای فقیر و سنتی را توصیف می‌کند. کودک مدرسه را ترک می‌کند و وردست مردی معرکه‌گیر می‌شود و تمام مدخل همین چند خط است. پیداست که این توصیف چیزی را روشن نمی‌کند و تنها بر حجم کتاب افزوده است.

۸) در سراسر کتاب، هیچ‌گونه باورقی دیده نمی‌شود. آدرس و مشخصات هیچ‌کدام از منابعی را که از آنها استفاده کرده، نداده و مستند به هیچ سندی نیست. تنها در آخر کتاب از ۱۸ منبع نام برده و اضافه کرده که در مورد بسیاری از نویسنده‌ها به آثار خود آنها مراجعه کرده است، اما معلوم نیست دقیقاً به کدام اثر از آثار نویسنده‌ها مراجعه شده است.

می‌توان گفت «عابدینی» به رغم احاطه‌ای که با کار قبلی‌اش می‌توانست بر مقوله داستان‌نویسی داشته باشد و نظریه آن که در مهد زبان فارسی و کانون نشر رمانها و قصه‌های ایرانی زندگی می‌کند و در نتیجه می‌تواند بر بسیاری از منابع و مآخذی دست پیدا کند که به دلایلی روشن از حوزه اطلاع و دستیابی یک نویسنده آمریکایی (جان گرین) به دور است، کار چندان نظرگیر و محقق‌پسندی عرضه نکرده است.^۶

کتاب بعدی، کتابشناسی داستان کوتاه ایران و جهان است.

۱) این کتاب به رغم حجم زیاد، همان عیبی را که برای فرهنگ داستان‌نویسان ایران ذکر کردیم، داراست؛ یعنی کلیت عنوان کتاب - ایران و جهان - و این که نویسنده خود را مقید کرده که داستانهای کوتاه چاپ شده در مجلات ادواری، را هم بیاورد، مانع از پرداخت دقیق و وسیع و بدون از قلم افتادگی شده است. حال آن که این دو دسته از داستانها یعنی داستانهای خارجی ترجمه شده و داستانهایی که در مجلات ادواری به چاپ رسیده است، خود می‌تواند موضوع پژوهش و جست‌وجوی جداگانه‌ای قرار گیرد.

۲) از دیگر عیبهای کتاب که از مسئله بالا ناشی می‌شود، این است

که مثلاً برخی از داستانهای کوتاه در آغاز در مجلات به چاپ رسیده و سپس در مجموعه‌ها و به شکل کتاب و چون هم و غم مؤلف بر گردآوری و ذکر داستانهای چاپ شده در مجلات بوده، در بسیاری اوقات، نام یک داستان واحد در دو مدخل یا بیشتر آمده است.

۳) از دیگر سو، اگر مجموعه داستانی مثلاً بیست داستان کوتاه داشته است، چون مبنای مدخلها نام داستانهای کوتاه است، نویسنده ناگزیر شده، نام و مشخصات کتابی را که این بیست داستان در آن آمده، بیست بار ذکر کند و در هر بار مشخصات کتاب را به طور کامل آورده که تنها بی جهت بر حجم کتاب افزوده است. مثلاً در صفحات ۲۰۵ و ۲۰۶، نام و مشخصات کتابهای چشم‌پوشان قهرمان همیشه باز است و چهره خانه و راننده ستم، اثر «احسان طبری»، هر کدام شانزده بار با مشخصات کامل کتابشناختی تکرار شده است و در سراسر کتاب، از این نمونه فراوان مشاهده می‌شود.

۴) نویسنده ترتیب داستانهای کتابها را به هم ریخته تا بتواند آنها را به ترتیب الفبایی مرتب کند و این عمل گاهی باعث شده که داستانهای مجموعه‌ها از هم دور بيفتند و خواننده دچار سردرگمی می‌شود و نمی‌تواند از تعداد داستانها و صفحات کتاب آگاهی یابد.

۵) نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است: کتابشناسی حاضر بر پایه بررسی و تدوین فهرست «داستان کوتاه»، طرح‌ریزی شده و به انجام رسیده است؛ اما به هنگام گردآوری و تنظیم فهرست داستانها، سنجش کیفی آنها به عنوان داستان کوتاه، نه منطقی کار درستی می‌نمود و نه عملاً ممکن بود... در گزینش یک نوشته عمدتاً ادعای نویسنده یا مترجم ملاک قرار گرفته است؛ گرچه در پاره‌ای از موارد، این ادعا روشن و دقیق نبوده است. بدین گونه این کتابشناسی گاه از نظر کیفی، انواع دیگر ادبی چون طرح، طنز، روایت، حکایت و... را نیز به ناچار دربرمی‌گیرد؛ و از جهت کمی، طیفی از طرحهای نیم‌صفحه‌ای و آنچه را که در ادبیات فرنگی short short story نامیده می‌شود تا آنچه را که short Novel نام دارد، شامل است.^۷ می‌توان این نکته را نیز یکی از عیوب این کتاب به شمار آورد.

۶) از دیگر نواقص کتاب، این است که مقدمه یا درآمد آن هیچ‌گونه شماره یا علامتی ندارد و ارجاع به آن دشوار است. علاوه بر اینها، در این کتاب در مورد هیچ نویسنده‌ای، شرح حالی نیامده، چیزی که دو کتاب دیگر به هر حال دارا هستند و البته شاید بتوان گفت در کتاب‌شناسیها این طریقه، معمول نیست.

این کتاب نیز مانند دو کتاب دیگر در این زمینه، به رغم آن که شغل مؤلف آن با چاپ و نشر داستان بی‌ارتباط نیست و امکان دسترسی به تازه‌های داستان برای او سهولت بیشتری دارد، اما از افتادگیها و حذفها بر کنار نمانده و تعدادی از داستانهای کوتاه و نویسندگان آنها از قلم افتاده، ولی چون اصولاً روش این کتاب با دو کتاب دیگر متفاوت است، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

کتاب سوم یعنی Iranian short story Authors^۸ (A Bio-bibliographic survey)

را یکی از نویسندگان نسبتاً جوان آمریکایی به نام «جان گرین» فراهم آورده و به سال ۱۹۸۹ در کالیفرنیا به زبان انگلیسی چاپ کرده است.^۹ این کتاب در ابتدا دو صفحه مقدمه و یک صفحه راهنمای حروف اختصاری به کار رفته در متن و در انتها دوازده صفحه فهرست، شامل فهرست مراجع و فهرست اعلام، دارد. کتاب به صورت الفبایی لاتینی نام نویسندگان تنظیم شده و انتشارات مزدا در کالیفرنیا، آن را چاپ کرده است.

روش تنظیم کتاب به این صورت است که ابتدا نام داستان نویس را به ترتیب نام خانوادگی آورده، سپس سال تولد و وفات او را در صورتی که بر وی مشخص شده باشد، به تاریخ میلادی در داخل

پرانتر قید کرده است. آن‌گاه در صورت امکان و به‌ویژه برای نویسندگان قدیمی‌تر و معروف‌تر، شرح حالی کوتاه از قبیل سال و محل تولد، تحصیلات، تخصص و زمینه نویسندگی آورده است؛ این شرح حالها در مورد بعضی از نویسندگان برجسته و معروف مانند «صادق هدایت»، «صادق چوبک»، «سعید نفیسی»، «محمد حجازی» و... مفصل‌تر است و در مورد برخی از نویسندگان تنها به ذکر نام اصلی یا مستعار اکتفا شده است. سپس در داخل هر مدخل، تقسیم دیگری صورت داده؛ بدین معنی که کتابهای هر نویسنده را از جهت کیفی دسته‌بندی کرده است. در این تقسیم ابتدا آثار غیرداستانی و متفرقه هر نویسنده، یا تحقیقها یا آثاری را که محتوای آنها بر او روشن نشده آورده و سپس دیگر آثار آن نویسنده را به ترتیب ذیل ذکر کرده است:

ادبیات نوجوانان (Juvenile Literature) ترجمه‌ها (Translations) مجموعه اشعار (Poetry Collections)، نمایشنامه‌ها (Plays)، رمانها (Novels)، مجموعه‌های داستان کوتاه (short story collections) و ویراسته‌ها (Edited Works). آثار نویسنده را ذیل هر یک از این مقوله‌ها، به طریق زیر آورده است:

ابتدا تاریخ نشر کتاب به سال میلادی سپس در بعضی موارد، در داخل گروه‌های همان تاریخ به سال هجری آمده و در صورتی که تاریخ چاپ کتاب مشخص نبوده، به جای آن حروف اختصاری ND [بی تا] را آورده است. بعد نام کتاب به شیوه حرف‌نگاری خاص با حروف ایتالیکی انگلیسی آمده و در داخل گروه‌های بعد از آن، همان عنوان را به انگلیسی برگردانیده است. سپس، نوبت چاپ، محل چاپ، نام ناشر و تعداد صفحات کتاب را ذکر کرده است. اگر کتابی چاپهای دیگری هم داشته، آنها را به همراه توضیحاتی برای برخی از کتابها در آنها آورده است. در پایان، با حروف اختصاری - که راهنمای آن در آغاز کتاب آمده - نام کتابخانه‌هایی را در آمریکا که این کتاب در آنجا موجود است، ذکر کرده است.

در مورد مجموعه‌های داستان کوتاه، بعد از موارد فوق، نام داستانهای آن مجموعه را به همراه برگردان انگلیسی آن به دست داده است. مثلاً:

short story Collections

- 1946 [1324] Did Va Bazdid [An Exchange of Visits] Tehran: Amir Kabir. A Collection of 12 short stories. Fifth printing Tehran: Amir Kabir, . 1349 [1971]. Source: MiunJp Cunn.
- Did Va Bazdid-i, Id [A Holiday Exchange of Visits]
Ganj [The Treasure]
Ziyarat [The Pilgrimage]
Ifar-Bimawqi [An Untimely Breaking of the Fast]
Guldan -i chini [The china Flowerpot]
Tabut [The Coffin]
Sham-i Qaddi [The Giant Candle]
Tajhiz-i Millat [the Mobilization of a Nation]
Pust'chi [The Postman]
Ma'akah [Upro...]
Ay La Mas, saba! [oh Heathens!]
Du Murdah [Two Corpses]

هدف «جان گرین» چنان که از مقدمه کتاب برمی‌آید، این بوده که در مورد نویسنده‌ای که مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه از وی به چاپ رسیده باشد، در بیشتر موارد شرح حالی هر چند مختصر بیاورد و کل آثار قلمی او را، اعم از این که در قلمرو داستان کوتاه جای گیرد

یا نگیرد، معرفی کند. به این ترتیب نویسندگانی که منحصرأرمان یا نمایشنامه و یا دیگر آثار داستانی چاپ کرده‌اند، وجهه همت این کتاب قرار نگرفته است، همچنین در این کتاب از قصه‌نویسانی که قصه‌های خود را تنها در مطبوعات چاپ کرده و به گردآوری آن در یک مجموعه مستقل توفیق نیافته‌اند خبری نیست؛ البته خود نویسنده در مقدمه بیان داشته که بعد از این، باید همین کار را در مورد شاعران، رمان‌نویسان، نمایشنامه‌نویسان انجام داد و در نهایت افزوده که کار بعد فهرست کردن مجلات ادبی پارسی است.

«جان گرین» کار خود را با دقت و حوصله فراوان و روشی علمی و دانشگاهی انجام داده و کتاب وی تقریباً از بسیاری از عیبهات و ثواقصی که برای دو کتاب وطنی شمردیم، برکنار است. با اینهمه، کتاب به کلی از خطا مضمون نمانده است:

۱) نویسنده برای آن که اطلاعاتی کامل درباره نویسنده‌ای به دست دهد، تمام آثار قلمی او را، اعم از آثار داستانی و غیرداستانی فهرست کرده و برای هر اثر، مشخصات کتابشناختی کامل ارائه داده است. این کار، گاهی به بیراهه روی در پژوهش و گم شدن رشته تحقیق منجر شده است. از ۱۹۱ نویسنده‌ای که مجموعه‌های داستان کوتاه آنها معرفی شده، ۲۵ تن آنها نمایشنامه هم نوشته‌اند، ۲۶ تن مجموعه اشعار دارند و ۵۸ تن رمان نوشته‌اند. به سادگی پیداست که این همه کتاب و مقید بودن به ذکر اطلاعات کتابشناختی، تا چه حد نویسنده را به رنج افکنده اما فایده‌ای که حاصل می‌شود، چندان زیاد نیست. اگر مؤلف تنها در پی پیدا کردن و ذکر داستان‌نویسان (داستان کوتاه) بود، در آن صورت تحقیق او محدودتر ولی عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌شد.

این مسئله در داخل متن کتاب، گاه نمونه‌های جالبی می‌یابد. اگر نویسنده‌ای تنها یک مجموعه داستان کوتاه داشته، «جان گرین»، تمام آثار او را فهرست کرده است؛ مثلاً از «سعید نفیسی»، ۹۲ کتاب معرفی شده که تنها یک مجموعه داستان در میان آنهاست؛ یا از «اخوان ثالث»، ۱۷ کتاب که باز تنها یک مجموعه داستان در میان آنهاست؛ از «کریم کشاورز» ۲۶ کتاب و یک مجموعه داستان یا از «مستعان» ۵۲ کتاب و یک مجموعه داستان یا از «جواد فاضل» ۱۰۰ کتاب و ۶ مجموعه داستان یا از «قاضی سعید» ۲۹ کتاب و فقط ۲ مجموعه داستان پلیسی در میان آنهاست.

۲) «جان گرین» عنوان کتابها و در مورد مجموعه‌های داستان کوتاه، عنوان داستانهای مجموعه‌ها را به انگلیسی برگردانده و در این راه، رنج برده و وقت زیادی صرف کرده است. از آنجا که کیفیت این ترجمه‌ها بسیار خوب است می‌تواند مورد استفاده همه خوانندگان غیرفارسی زبان خصوصاً غیرمتخصصان قرار گیرد. اما سه مسئله درباره این ترجمه‌ها مطرح است:

الف - مسئله اول این که گاهی عنوانها را بد فهمیده و بد ترجمه کرده است، مثل نام مجموعه دو چشم بی سو از «محسن مخملباف» که آن را Two Eyes Without Direction ترجمه کرده در حالی که «بی سو» در اینجا به معنی کم سو و بی فروغ است. یا «مستانه من» را My Drunkenness ترجمه کرده است (ص ۲۵).

ب - مسئله دوم: گاهی برخلاف روش خودش، عنوانها را ترجمه نکرده که یا مشکل بوده، یا آن را نفهمیده یا هر دو؛ مثل «نسیمی در کویر»، یا «استخوانهای تهی» (هر دو ص ۳۸) یا «دست از پا درازتر» یا «صواب با صاد» (ص ۵-۱۸۴) یا صفحه‌های ۶۹، ۲۰۶، ۲۰۸، ۳-۲۱۲، ۲۲۹ و...

ج - مسئله سوم: گاهی یک عنوان را به دو صورت به انگلیسی برگردانده است مثلاً «خاقانی شاعری دیر آشنا» یک بار The unsociable poet

و بار دیگر The poet who is hard to know ترجمه شده یا در صفحه ۷۶ یک بار «معصوم» را The innocent و بار دیگر The saint ترجمه کرده یا در صفحه ۷۸ «صدای ساز» یک بار The instrument's sound و بار دیگر در the instrument's voice ترجمه کرده است و...

۳) گاهی در تقدم و تأخر کتابها ترتیب زمانی رعایت نشده و به هم ریخته است. مثلاً در مورد داستانهای کوتاه «محمود گلابدیره ای» مجموعه آهوی کوهی که در سال ۱۳۶۵ چاپ شده بر مجموعه پرستو که در ۱۳۶۴ چاپ شده، مقدم شده است یا صفحات ۱۶۸، ۱۷۱، ... ۴) گاهی محتوای کتابی را نفهمیده و آن را در قسمت اول که بیشتر مربوط به کارهای غیرداستانی و تحقیقات و پژوهشهاست، آورده است مانند صفحه ۹۳ مدخل **گونه‌های کوهی**.

۵) شیوه حرف‌نگاری (transliteration) کتاب براساس سیاهه انجمن کتابخانه‌های آمریکا و تابلو لاتینی کتابخانه کنگره آمریکا بوده است؛ اما گاهی اوقات اشتباهات و دوگانگی‌هایی دیده می‌شود مثل: Zamistan و Zimistan (ص ۱۰۲، ۲۲۸)، chashm، chashm (ص ۱۳ و ۲۲۳)، avallin، avallin و avallin (ص ۲۲۴ و ۱۲۶، ۷ و ۷۷ (ص ۲۳۴) و...

۶) گاهی بعضی کلمات را نادرست تلفظ و ثبت کرده است، مانند: اسدالله (Asad Allah) یا «جمالزاده» (Jamalzadeh) یا «خیر» (Khayyar) یا «بهره‌مند» (Bihramand) یا گونه‌های کوهی (Gunhayi Kuhi) یا «بلوری» (Balun) یا «خرازی» (Khurazi).

۷) اشتباهات دیگر از این قبیل که «مرادی کرمانی» را ذیل «کرمانی» آورده و «مرادی» را اسم دانسته؛ یا «میشاق امیر فجر» را ذیل «فجر، میشاق امیر» آورده یا «خاطره پروانه» ثبت کرده که برخی آن را پروانه خاطره می‌دانند و...

۸) در تبدیل تاریخها به میلادی اشتباهات بیشتری مشاهده می‌شود، مثلاً سال نشر کتاب **نایفه شرق اثر «نورالله لارودی»** (۱۳۱۹) ۱۹۵۹ ذکر شده است که معادل سال ۱۹۵۹ میلادی ۱۳۳۸ است نه ۱۳۱۹. کتاب **یک قصه قدیمی از «شاهدادی»** ابتدا در سال ۱۹۷۶/۷ به چاپ رسید نه ۱۹۵۷ (ص ۲۳۱). یا سال ۱۹۶۷ معادل ۱۳۵۲ نیست (ص ۱۸۵) [از این نوع اشتباه زیاد دیده می‌شود]. کتاب **به کی سلام کنم از «سیمین دانشور»** که ابتدا در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به چاپ رسیده، تاریخ ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) را به عنوان اولین سال چاپ دارد (ص ۴۱) - احتمالاً ۱۹۵۹ را با ۱۳۵۹ اشتباه کرده است. یا در مورد کتاب **جوی و دیوار و تشنه از «ابراهیم گلستان»** سال ۱۹۶۷ که معادل آن ۱۳۴۶ می‌شود، ۱۳۵۶ را داده است.

۹) اشتباهات چاپی نیز در کتاب هست از قبیل Skikufitan (ص ۲۱۷، Isq، (ص ۱۲۷) Namaushnamah (ص ۲۰۴)، Faylasuha (ص ۵)، Pseudonmyn (ص ۱۷۳)، و...

۱۰) اطلاعات نادرستی نیز در کتاب مشاهده می‌شود که گمان می‌کنم از آنجا ناشی شده که مؤلف، آمریکایی و مقیم آنجاست و این امر محدودیت‌های زیادی برای او به وجود آورده است. به احتمال زیاد او اکثر اطلاعات خود را از طریق کتابشناسیها و فهرستهای کتابخانه‌های آمریکا به دست آورده و خود، این آثار را ندیده است. مثلاً، کتاب **خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی هیچ ارتباطی با «محمود دولت‌آبادی»** ندارد. (ص ۴۸). یا **قهرمان داستان کودکان «کریم کشاورز»**، حسنوک است نه حسنک (ص ۱۲۹). یا ترجمه «کریم کشاورز» از اثر «واسیلوسکا» **عشق بی‌پیرایه** نامیده می‌شود نه **عشق پیرایه** (ص ۱۲۸)؛ این کتاب را «خانبابا مشار» به شکل **عشق بی‌پیرایه** آورده و احتمالاً «جان گرین» بر اثر همین اشتباه معنی نام کتاب را نفهمیده و آن را ترجمه نکرده است؛ یا **قدما و نقد ادبی از «محمود کیانوش»**، Long Poem نیست (ص ۱۳۰). یا **نامه‌های جلال**

آل‌احمد ویراسته او نیست (ص ۱۰)؛ یا **نویسندگان پیشرو ایران** (ص ۲۲۲)، **تصویری از ناصر خسرو** (ص ۴۸)، **روزنه آبی** (ص ۱۹۳) و **عقیل عقیل** (ص ۵۰) هیچ کدام در زمره ویراسته‌ها (Edited works) به شمار نمی‌آیند؛ یا فیلمنامه **مشروطه مشروعه** اثر «محسن مخملباف» چنان که «جان گرین» نوشته «پژوهشی دربارهٔ درام ایرانی در دوره مشروطیت» نیست (ص ۱۴۲)؛ یا **گزیده شعرهای لانگ فلو** اثر «محمدعلی اسلامی ندوشن» (ص ۱۰۸) و **حافظ اثر «محمد حجازی»** (ص ۹۰) را دوبار آورده؛ اثر «اسلامی» را یک بار با نام **گزیده شعرهای لانگ فلو** و بار دیگر با نام **بهترین اشعار هنری لانگ فلو** آورده که در واقع این دو مدخل، یک کتاب هستند، اما «جان گرین» احتمالاً، یکی را از فهرست ناشر نقل کرده - چنان که خود بیان داشته - و دیگری را از **فهرست کتابهای چاپی فارسی** اثر «خانبابا مشار» نقل کرده است. اثر «حجازی» را یک بار با نام **حافظ** از فهرست ناشر نقل کرده و بار دیگر با نام **نمایشنامه حافظ** آورده که این کتاب را از کتابخانه دانشگاه میشیگان یا از فهرست این کتابخانه نقل کرده است و با اندکی دقت معلوم می‌شود که هر دو، یک کتاب هستند، یا در مورد **نمایشنامه دوست مردم** اثر «امین فقیری» که در همین قسمت **نمایشنامه‌های «امین فقیری»**، کتاب دیگری را با نام **دوست مردم** و درست با همان مشخصات کتابشناختی **دوست مردم** آورده است. با کمی دقت در نام دو کتاب، **دوست مردم** (Dust - i mardum) و **دوست مردم** (Dust - i sardam) و مشخصات کتابشناختی آنها، روشن می‌شود که این دو کتاب به واقع یکی هستند و اندکی اشتباه در حرف‌نگاری این دوگانگی را پدید آورده است. از طرف دیگر «امین فقیری»، کتابی به نام **دوست مردم** ندارد.

۱۱. در این کتاب هم مانند دو کتابی که قبلاً معرفی شد، چند اثر و نویسنده از قلم افتاده است، اما با توجه به این که «جان گرین» نویسنده‌ای آمریکایی و ساکن آمریکاست، نمی‌توان بر او زیاد خرده گرفت. تعدادی از این قلم‌افزادگیها به قرار زیر است: **کندوهای شکسته** از «نیما یوشیج» (۱۳۵۱)، **قصه‌های آن دنیا** اثر «مصطفی رحیمی» (۱۳۵۶)، **چهره خانه و راننده ستم** اثر «احسان طبری» (۱۳۵۸)، **خروگوشها** اثر «ایرج پزشک‌نیا» (۱۳۳۵)، **اندرو ادب و احوال** اثر «م. مصفا» (۱۳۵۷)، **آشتی بر مزاری بی‌بار** اثر «ح. روحی» (ص ۱۳۵۲)، **ظلمات عدالت و سیزده داستان دیگر** اثر «ابوالقاسم پاینده» (۱۳۵۴)، **دلدادگان** اثر «شجاع‌الدین شفا» (۱۳۲۳)، **کارنامهٔ احیاء** اثر «ح. حسام» (ص ۱۳۵۵)، **بچه‌ها بازی نمی‌کنند** اثر «جعفر مدرس صادقی» (۱۳۵۵) یا حتی **داستانها و قصه‌ها** اثر «مجتبی مینوی» (۱۳۴۹) و **قصه‌های استاد** اثر «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» (۱۳۵۳) و... که سعی شد تا همه این عیبها و کاستیها در ترجمه، برطرف و تکمیل گردد.

پیش‌تر گفتیم که از عیبهای کتاب این است که اگر نویسنده‌ای تنها یک مجموعه داستان داشته است، «جان گرین» تمام آثار قلمی او را فهرست کرده است. این کار گرچه ممکن است چندان پرفایده به نظر نرسد و تنها بر حجم کتاب افزوده باشد، اما با این کار بسیاری از رمانها، نمایشنامه‌ها، کتابهای مربوط به ادبیات کودکان و نویسندگان آنها معرفی می‌شوند و این خود از جهتی بر ارزش کتاب می‌افزاید. از دیگر سو، «جان گرین» داستانهایی را که به شکل مجموعه داستان درنیامده‌اند، به یکسو نهاده و کار خود را تنها بر مجموعه‌های چاپ شدهٔ داستان کوتاه محصور کرده است، اما «با توسعی که در مفهوم قصه قابل شده و مثلاً داستانهای تاریخی، قصه‌های کودکانه و داستانهای پلیسی را در مجموعه کار خود آورده، نه تنها از محدودهٔ زمینه پژوهش او کاسته نشده؛ بلکه دایرهٔ آن را مقداری از آنچه از عنوان کتاب توقع می‌رفته، وسیع‌تر کرده است.^{۱۰}

در هر حال مجموعه این کاستیها و نادرستیها از اهمیت کار این نویسنده جوان و باذوق [که در آن سوی دنیا و با تمام محدودیتهایی که در زمینه یافتن منابع و مآخذ خصوصاً منابعی که مربوط به بعد از انقلاب هستند، کار خود را انجام داده] نمی‌کاهد، به‌ویژه آن که با شیوه علمی درستی که برای تنظیم کتاب در پیش گرفته و با وجود استقصای نسبتاً کاملی که در قلمرو قصه‌نویسی فارسی از آغاز تا امروز و حتی دهه اخیر پس از انقلاب به عمل آورده است، به یقین کار او را در جایگاه ارجمندی از نمونه‌های [ایرانی آن، یعنی فرهنگ داستان‌نویسان] و کتابشناسی داستان کوتاه ایران و جهان قرار داده است.^{۱۱}

فرجام سخن:

پیشرفت فن چاپ و نشر و افزایش کتابهای مختلف و عدم امکان دسترسی محققان به تمام کتابهای چاپ شده در زمینه‌های گوناگون، تألیف فرهنگها و کتابشناسیهای تخصصی را که در آنها، محققان و منتقدان بتوانند دست کم با نام و اندکی از محتوای آثار چاپ شده در زمینه مورد تحقیقتشان آشنا شوند، به امری ضروری بدل ساخته است. این مشکل در مورد ادبیات داستانی فارسی به علت افزایش شمار داستان‌نویسان سخت چشمگیر است. به منظور رفع این مشکل در زمینه معرفی داستان‌نویسان و آثار داستانی زبان فارسی، تاکنون سه کتاب به رشته تحریر درآمده است:

اولین کتاب نویسندگان داستان کوتاه در ایران (Iranian short story Authors)

است که یکی از نویسندگان جوان آمریکایی به نام جان گرین فراهم آورده و به سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) در کالیفرنیا به زبان انگلیسی چاپ کرده است. کتاب دوم یعنی فرهنگ داستان‌نویسان ایران^{۱۲} را حسن میرعابدینی در سال ۱۳۶۹ به رشته تحریر درآورده و کتاب سوم کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان) نوشته فرشته مولوی است و به سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است.

سه کتاب فوق در روش با یکدیگر به کلی متفاوت هستند؛ روشی که در کتاب جان گرین به کار بسته شده، نسبت به روش دو

کتاب دیگر، علمی‌تر و آکادمیک‌تر به نظر می‌رسد. گذشته از روش، در هر سه کتاب، اطلاعات گرانقدر بسیاری نهفته است، اما با همه این اطلاعات - که در مقاله به اندکی از آنها اشاره شده است - خطاها، نادرستیها و کمبودهای بسیاری در هر سه کتاب به چشم می‌خورد که نمونه راه، به اندکی از آنها در این مقاله اشارت شد. امید که مؤلفان محترم با برطرف کردن این کاستیها و نادرستیها، کتاب خود را هر چه بی‌عیب و نقص‌تر به جامعه خوانندگان و پژوهندگان ادب داستانی این مرز و بوم عرضه دارند؛ نیز جای آن دارد که تنی واحد، البته از سر صبر و حوصله و با پشتوانه دقت علمی لازم و از همه مهم‌تر با بهره‌گیری از اطلاعات سه کتاب فوق، کتابی تألیف نماید که جامع اطلاعات هر سه کتاب، مانع اشتباهها و خطاها و برطرف‌کننده کاستیها و کمبودهای آنها باشد. چنان که دیدیم آخرین کتاب، تاریخ ۱۳۷۱ رابریپیشانی خود دارد و این بدان معنی است که آثار داستانی که بعد از این تاریخ چاپ شده و نیز نویسندگانی که از آن پس به جرگه داستان‌نویسی وارد شده‌اند، در هیچ یک از سه کتاب فوق نیامده و از قضا تعداد این دسته از آثار و نویسندگان، دست کمی از آثار و نویسندگان قبل از سال ۱۳۷۱ ندارد؛ پس لازم است که همه آثار و نویسندگان پس از سال ۱۳۷۱ در کتابی دیگر جمع و معرفی شود. به امید آن روز آیدون باد.

پانوشتها:

۱- میرعابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی در ایران، تهران، نشر تندر، چاپ اول، ج ۱، صص ۳-۱۲.

۲- البته تا هنگامی که نقد ادبی با تاریخ ادبیات پیوندی سخت و دوسویه پیدا نکند، داشتن چنین انتظاری از نقد ادبی معاصر افزون‌طلبی است. لزوم پیوند نقد و تاریخ ادبیات، در برخی از رویکردهای نقدی مثل نقد سنت‌گرا و نقد جامعه‌شناختی و... بیشتر محسوس است. تاریخ ادبیات نیز برای تشخیص سره از ناسره و... به نقد ادبی سخت نیازمند است.

۳- میرعابدینی، حسن، صد سال داستان‌نویسی در ایران، همان، ج ۱، صص ۲-۱۱. البته خود این کتاب تا حدودی از این قاعده مستثناست.

۴- یاحقی، محمدجعفر، «فرهنگ قصه‌نویسان ایرانی»، کتاب پاژ، ش ۶، پاییز ۱۳۷۱، ص ۱۴۶.

۵- همان، ص ۱۴۹.

۶- همان، ص ۱۴۹.

۷- مولوی، فرشته، کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان)، تهران، نیلوفر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۱، صفحه اول از درآمد. البته ملاک «جان گرین» در پیدا کردن داستانهای کوتاه نیز به روش خانم مولوی شباهت بسیار دارد، اما در کتاب «جان گرین» دست کم از طرح، روایت و حکایت -انواع ادبی که کم‌تر در حوزه داستان در مفهوم جدید آن جای می‌گیرند- خبری نیست.

8- Green, John: Iranian short story Authors

(A Bio-bibliographic survey), Mazda Publishers, California, USA, 1989, VIII, 250 p.

۹- محمدجعفر یاحقی، همان، ص ۱۴۶.

۱۰- همان، ص ۱۴۷.

۱۱- همان، ص ۱۴۹.

۱۲- میرعابدینی، حسن؛ فرهنگ داستان‌نویسان ایران، تهران، دبیران، بهار ۱۳۶۹، ص ۱۷۸. حدس زده می‌شد و البته انتظار می‌رفت که کار میرعابدینی با توجه به کار قبلی‌اش (صد سال داستان‌نویسی در ایران)، کاری دقیق و درست و کامل عرضه نماید، به‌ویژه که او در ایران، مهد انتشارات ادبیات داستانی فارسی، زندگی می‌کند، اما آن دو کتاب دیگر که از قضا یکی زودتر از کتاب او چاپ شده، از کار او کامل‌تر و بهتر هستند.

